

## نگاه انتقادی به نظام‌های حقوقی یهود و مسیحیت

سید ابراهیم حسینی\*

### چکیده

هر چند در ابتدای امر به نظر می‌رسد نظام‌های حقوقی یهودیت و مسیحیت در مقابل نظام‌های حقوقی سکولارند، و از نظام‌های حقوقی دینی به شمار می‌آیند، اما بر اساس این پژوهش هیچ کدام از این دو، بنیاد دینی ندارند و دلیل این ادعا را می‌توان دو عامل تحریف و نسخ دانست.

علاوه بر کاستی‌های ذاتی، پیوند یهودیت با صهیونیسم و جهت‌گیری سکولاریستی مسیحیت نیز سبب دور شدن این نظام‌ها از بنیادهای دینی خویش است. در مقابل، نظام حقوقی اسلام با مصونیت از عوامل تحریف و نسخ سکولاریزاسیون، شادابی و حیانی و الهی خود را حفظ کرده و به طور جدی توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای حقوقی جوامع بشری را دارد.

**کلیدواژه‌ها:** یهودیت، مسیحیت، اسلام، نظام حقوق.

هر جامعه ای نیازمند قانون است و به دلایل گوناگون قواعد و مقررات حقوقی کشورها، کم یا بیش، تفاوت‌هایی با هم دارند و از یک‌دیگر متمایزند. برای مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ی بین حقوق کشورها با یک‌دیگر نمی‌توان به سنجش قوانین و مقررات حقوقی آن کشورها بسنده کرد، بلکه باید نظام‌های حقوقی را مطالعه و بررسی نمود.

## ۱. مفهوم نظام حقوقی

قواعد و مقررات حقوقی حاکم بر یک جامعه، مستقل و جدای از هم نیست، بلکه به مجموعه‌های مختلفی تقسیم می‌شود و هر مجموعه به منظور رسیدن به هدف خاص، یکی از روابط اجتماعی را احاطه و اداره می‌کند. این مجموعه‌ها در اصطلاح «سازمان حقوقی» نامیده می‌شوند و نقش مهمی در تعیین حقوق و تکالیف افراد دارند؛ برای مثال، مجموع قواعدی که هدف آنها تنظیم روابط زن و شوهر است، سازمان حقوقی «نکاح» را تشکیل می‌دهد، و وضعی که در نتیجه‌ی ترکیب قواعد ارث یا حمایت و سرپرستی محجوران به وجود آمده است، سازمان حقوقی «ارث» و «حجر» نامیده می‌شود. سازمان‌های حقوقی نیز با هم ارتباط نزدیک دارند و ممکن است دو یا چند سازمان جزء تابع سازمان حقوقی وسیع‌تری باشند؛ چنان که سازمان حقوقی نکاح و ارث و نفقه از عناصر تشکیل دهنده‌ی «سازمان خانواده» اند. به این ترتیب، یک ارتباط منطقی خاص تمام قواعد و سازمان‌های حقوقی را به هم مربوط می‌سازد و از مجموع آن‌ها «نظام حقوقی» هر کشور به دست می‌آید.

پس، وقتی گفته می‌شود «نظام حقوق ایران»، یعنی مجموع قواعد و مقررات حقوقی کشور ایران که مشتمل بر مجموعه‌ای از سازمان‌های حقوقی و اصول فنی است که آن‌ها را به هم مربوط می‌سازد و آرمان‌های فلسفی و اجتماعی (مبانی و اهداف) این ساختمان پیچیده را احاطه کرده است و رهبری می‌کند.<sup>۱</sup> بنابر این، نظام حقوقی، صرف قواعد و مقررات حقوقی نیست، بلکه مجموعه‌ای از قواعد و مقررات است که به لحاظ ساختار، مبانی، اهداف و مفاهیم و اصطلاحات و ... منسجم‌اند، و هدف خاصی را دنبال می‌کنند. بدین ترتیب، تفاوت «نظام حقوقی» با «مکتب حقوقی» روشن می‌شود؛ چه این که نظام حقوقی مجموعه‌ای منسجم از خود قواعد و مقررات الزام‌آور اجتماعی است، حال آن که مکتب حقوقی با بحث از مبانی، از زیرساخت‌ها و چرایی‌هایی سخن می‌گوید که نظام حقوقی بر آن استوار است. به‌زودی در باره‌ی تأثیر مبانی در نظام‌های حقوقی بحث می‌کنیم.

هر کشوری با توجه به شرایط و مقتضیات آن، حقوق مختص به خود دارد و چه بسا در یک کشور با نظام

حقوقی واحد، سیستم‌های حقوقی متعدد وجود داشته باشد. حقوق هر کشور مشتمل بر دو گونه عناصر است:

۱. عناصر ثابت یا پایدار: شامل عناصر تغییرناپذیر، مانند مبانی، اهداف و ساختار که ناشی از ارزش‌های حاکم بر جامعه، طرز تفکرات اجتماعی، تمدن و فرهنگ یک کشور است.

۲. عناصر ناپایدار یا غیرثابت: شامل عناصر تغییرپذیر، مانند قواعد و مقررات، اصطلاحات و دانش‌واژه‌ها و تکنیک حقوقی برای بیان قواعد حقوقی و تفسیر آن‌ها.

مجموعه‌های حقوقی که دارای عناصر ثابت یکسان هستند، یک سیستم حقوقی را تشکیل می‌دهند و سیستم‌هایی که در عناصر پایدار مشترک هستند، یک نظام حقوقی را می‌سازند؛ برای مثال، نظام حقوقی اسلام شامل کشورهای ایران، عربستان، مصر و ... است که در مبانی، اهداف و منابع هم‌سان هستند اما به دلیل وجود تفاوت‌هایی در قواعد و مقررات، شیوه‌ی دست‌یابی به منابع و تفسیر قواعد حقوقی، به سیستم‌های حقوقی مختلف شیعه و سنی تقسیم می‌شوند؛ یا نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، سیستم‌های حقوقی شیعه به عنوان اصل و مبنا و سیستم‌های حقوقی اهل سنت و اقلیت‌های دینی را دربرمی‌گیرد. نتیجه آن که، دلیل عمده‌ی تعدد نظام حقوقی، اختلاف در عناصر پایدار سیستم‌ها، و دلیل تعدد سیستم‌های حقوقی در تفاوت آن‌ها در عناصر ناپایدار مجموعه‌های حقوقی است.<sup>۲</sup>

در بررسی نظام‌های حقوقی، به منابع، مفاهیم، تقسیمات، ساختار و سازمان‌های حقوقی، و نیز ریشه‌های شکل‌گیری قواعد حقوقی توجه می‌شود. از این شیوه، به بررسی اندیشه‌های گوناگون حقوقی پرداخته می‌شود که در پی‌ریزی قواعد و مقررات حقوقی حاکم و ساختار حقوقی آن جوامع مؤثر است، و این امر رابطه‌ای نزدیک با مکاتب حقوقی دارد که به دنبال بحث از چرایی حقوق است و راه مطالعات فلسفی را هموار می‌سازد.

## ۲. طبقه‌بندی نظام‌های حقوقی

گو این که گفته می‌شود حاکمیت نظام حقوقی واحد در سراسر گیتی، از آمال بشریت است و دست کم، حاکمیت نظام حقوقی توحیدی از آرمان‌های همه‌ی انسان‌های موحد است؛ با وجود این، از آغاز تاکنون جوامع بشری با نظام‌های حقوقی گوناگونی اداره شده‌اند. با توجه به گوناگونی فراوان این نظام‌ها، مطالعه‌ی همه‌ی آنها و یا مطالعه‌ی تطبیقی، جز با طبقه‌بندی آن‌ها در دسته‌های کوچک‌تر میسر نیست.

نظام‌های حقوقی، علی‌رغم تفاوت‌ها، دارای نقاط اشتراکی هستند و بر اساس همین معیار طبقه‌بندی می‌شوند و چون این نقاط اشتراک و افتراق، دارای ابعاد مختلفی است، طبقه‌بندی‌های گوناگونی از نظام‌ها صورت گرفته است. گزینش مبانی مشخص برای طبقه‌بندی و داشتن طرح روشن، از اصول طبقه‌بندی شمرده می‌شود. از این میان برخی بر اصول فلسفی و اخلاقی‌ای که مبانی قواعد حقوقی قرار گرفته است، و عده‌ای دیگر بر منابع حقوق، روش تفسیر قواعد حقوقی، تاریخچه‌ی پیدایش و تحول آن، عامل نژادی یا جغرافیایی یا ترکیبی از این عوامل تکیه کرده‌اند.

به هر حال اختلاف نظر در طبقات و خانواده‌های حقوقی به حدی است که ارائه‌ی یک الگو و مبانی مناسب برای آن دشوار است، لکن به نظر می‌رسد که بیش‌تر حقوق‌دانان معتقدند خانواده‌های حقوقی رومی ژرمنی، کامن‌لا و اسلام از گستردگی قابل توجهی در میان حقوق کشورهای مختلف جهان برخوردارند. از نظر ما، تأثیر مبانی و سپس منابع حقوقی در شکل‌گیری قواعد و مقررات حقوقی برجسته‌تر است و شایسته است که آن‌ها را مایه‌ی امتیاز نظام‌های حقوقی از یک‌دیگر بدانیم. پیش از ورود در مطالعه‌ی نظام‌های حقوقی، به نقش مبانی در نظام‌های حقوقی اشاره می‌کنیم.

### ۳. نقش مبانی حقوق در نظام‌های حقوقی

هر نظام حقوقی دارای اهدافی خاص است و قواعد آن بر اساس مبانی خاصی وضع می‌گردد. همین امر، یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در تعدد نظام‌های حقوقی است. هدف حقوق عبارت است از اصل یا اصولی که نظام حقوقی مقدمه‌ای برای حصول آنهاست. روشن است که اختلاف در اهداف و مبانی در قواعد حقوقی و احکام تأثیر می‌گذارد و موجب تفاوت و اختلاف آنها می‌گردد؛ مثلاً حقوقی که تنها اهداف مادی را در نظر دارد با حقوقی که اهداف معنوی را مد نظر دارد متفاوت خواهد بود؛ از این‌رو، در شناسایی نظام‌های حقوقی باید به اهداف و مبانی و هم‌چنین هماهنگی مقررات آن نظام حقوقی با اهداف مورد نظر کاملاً توجه نمود. مهم‌تر از آن، مبانی حقوق است که پایه‌ی شکل‌گیری مقررات و ساختار حقوقی و به تبع آن، منابع و تقسیمات حقوقی است. در روی‌کرد سکولاریستی، تمایلات یا خواست مردم، افکار عمومی یا اقتدار دولت و اراده‌ی او، به جای وحی، تعیین‌کننده‌ی قواعد حقوقی است، اما در نظام‌های مذهبی، معیار مشروعیت همه‌ی قوانین، اراده‌ی تشریفی خدای متعال است که وحی مظهر آن است.

به هر حال در این مجال به معرفی مختصر مبانی، منابع و ساختار نظام‌های حقوقی یهودیت و مسیحیت و سپس نقد و بررسی اجمالی آن می‌پردازیم.<sup>۳</sup> نظام‌های حقوقی بر اساس میزان ارتباط آن‌ها با دین، به دو گروه سکولار و دینی تقسیم می‌شوند. در دسته‌ی نخست، خانواده‌های حقوقی رومی ژرمنی، کامن‌لا و سوسیالیستی، و در گروه دوم، نظام‌های حقوقی دینی<sup>۴</sup> یهودی، مسیحی و اسلامی قرار می‌گیرند. در این مجال در صدد معرفی اجمالی نظام‌های حقوقی یهود و مسیحی هستیم و پس از آشنایی با مبانی، منابع و ساختار این نظام‌ها به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

### ۴. نظام‌های حقوقی یهود و مسیحی

#### ۴-۱. نظام حقوقی یهود

یهودیت (شریعت موسوی)، دینی کهن، با نظام فقهی نسبتاً گسترده است که به اختصار آن را معرفی می‌کنیم.

#### ۱-۱-۴. مبانی و منابع حقوقی یهود

یهودیت از ادیان بزرگ ابراهیمی است که اسلام منشأ آن را الهی دانسته، از پیامبر آن تجلیل کرده است. در میان ادیان زنده‌ی جهان، غیر از اسلام، تنها یهودیت است که دارای نظام فقهی گسترده‌ای است که شباهت‌هایی با نظام فقهی اسلامی دارد. ریشه‌ی این نظام در تورات است و بسیاری از احکام در این کتاب آمده است.<sup>۵</sup>

کتاب مقدّس<sup>۶</sup> مشتمل بر عهدین<sup>۷</sup> عنوان مجموعه‌ای است که مسیحیان، همه، و یهودیان بخشی از آن را «کتاب آسمانی و الهی» خود می‌دانند. کتاب مقدّس یهودیان به سه بخش کلی تورات، کتب انبیا و مکتوبات تقسیم می‌شود. در سنت یهودی - مسیحی اعتقاد بر این بوده که خداوند، مجموعه‌ی عهد قدیم را در مدتی حدود هزار سال به افراد متعدّدی الهام کرده است. بر این اساس، تنها اسفار پنج‌گانه‌ی تورات (سفر پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه)، کتاب حضرت موسی علیه السلام است و کلمات آن را خداوند به او وحی کرده است.<sup>۸</sup> طبق سنت خاخامی، تورات حاوی ۶۱۳ فرمان اعم از اوامر و نواهی است. ۶۱۳ فرمان در سینا بر موسی وحی شد: ۳۶۵ فرمان، برابر با تعداد روزهای سال شمسی، راجع به نواهی اند و ۲۴۸ فرمان، برابر با تعداد اعضای بدن انسان، راجع به اوامر.<sup>۹</sup>

به دلیل نارسایی‌های تورات موجود، از جمله این که بخش عمده‌ی آن یا به تاریخ قوم بنی‌اسرائیل اختصاص دارد و یا راجع به احکام عبادی و فردی است و پاسخ‌گوی نیاز جامعه نیست، بحث شرح و تفسیر آن مطرح شد و استناد به سنت شفاهی که از آن به تورات شفاهی<sup>۱۰</sup> نیز یاد می‌شد، رایج گشت. تا این که یکی از دانشمندان یهود، به نام ربی یهودا هناسی، سنت شفاهی (همان آموخته‌های عالمان گذشته) را در کتابی به نام «میشنا»<sup>۱۱</sup> (۲۲۰ م) گرد آورد. به دلیل اختصار و ناکافی بودن میشنا، شرح و تفسیر آن به نام گمارا<sup>۱۲</sup> به معنای تکمیل کننده، ابتدا در فلسطین و سپس در بابل آغاز و در نهایت دو گمارا نوشته شد. مجموع میشنا و گمارا را تلمود<sup>۱۳</sup> (آموزش و تعلیم) می‌گویند. تلمود بابلی (تکمیل شده در ۵۰۰ م)، بسیار مفصل‌تر از تلمود فلسطینی است.<sup>۱۴</sup>

هر چند آیین یهود از آغاز و در متن تورات مکتوب اولیه، مشتمل بر شریعت و قوانین اجتماعی بود و قرآن کریم علاوه بر نص عام در این زمینه<sup>۱۵</sup>، به طور خاص<sup>۱۶</sup> به آن تصریح می‌کند، اما آنچه امروزه به عنوان نظام حقوق یهودی وجود دارد، همان حقوق تلمود است. این کتاب تاکنون مورد قبول دانشمندان و همه‌ی پیروان آیین تورات، و در طی ۱۴۰۰ سال اساس تعلیم و تربیت یهود بود. هر محصل عبرانی مدت هفت سال تمام، هر روز هفت ساعت در بحر مطالعه‌ی آن فرو می‌رفت، آن را به صدای بلند قرائت می‌کرد و از راه گوش و چشم به حافظه می‌سپرد. روش تعلیم صرفاً عبارت از قرائت و تکرار نبود، بلکه مناظره‌ی میان شاگرد و معلم به این مقصود کمک می‌کرد. درک تلمود جز به معیار تاریخ میسر نمی‌شود.<sup>۱۷</sup> در تلمود همانند تورات از

موضوعات مختلفی بحث می‌شود که بیش‌تر آنها خارج از محدوده‌ی حقوق است. مجموعه‌ی تلمود به صورتی درهم ریخته و نامنظم، حاوی ابعاد عقیدتی، اخلاقی و حقوق است. کهن در کتاب گنجینه‌ای از تلمود، مباحث فقهی و حقوقی آن را در چهار فصل زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی، زندگی جسمانی و در نهایت مسائل حقوقی، دسته‌بندی کرده است.<sup>۱۸</sup> ابواب متن تلمود (میشنا) و شرح آن (گمارا) به ترتیب زیر است:

۱. بخش زراعی<sup>۱۹</sup> (بذرها)؛ قوانین مذهبی مربوط به کشاورزی و کشاورزان؛
۲. بخش موعده<sup>۲۰</sup> (عید)؛ قوانین مربوط به اعیاد مقدس؛
۳. بخش ناشیم<sup>۲۱</sup> (زنان)؛ قوانین مربوط به ازدواج و طلاق؛
۴. بخش نزیقین<sup>۲۲</sup> (آسیب‌ها و خسارات)؛ قوانین مربوط به جنحه و جنایت، دادگاه‌های شرعی و عرفی و روش کار آنها، قوانین مالکیت، وام، سرقت و غضب، تعهدات مالی و انتقال اموال؛
۵. بخش قداشیم<sup>۲۳</sup> (مقدسات)؛ قوانین مربوط به رفتار کاهنان و لویان، عبادات و قربانی‌ها؛
۶. بخش طهاروت<sup>۲۴</sup> (طهارت‌ها)؛ قوانین مربوط به پاکیزگی جسم و روح؛<sup>۲۵</sup>

#### ۲-۱-۴. ساختار حقوق یهود

ساختار حقوق یهود همان چیزی است که تلمود معرفی کرده است، که ما به اختصار به آن اشاره می‌کنیم:

##### الف) حقوق مدنی

حقوق مدنی یهود یا آنچه معمولاً حقوق پولی نامیده می‌شود، یکی از ابداعات تلمود است و برخلاف کدهای دیگر حقوق یهود که عمدتاً انعطاف‌ناپذیر هستند، همیشه در حال تغییر است. یکی از آن اصول این است که چون فرد می‌تواند مالک پول شود حق دارد که با طرف دیگر به توافق برسد و برخی از شروط قانونی لازم و اصلی را لغو یا اصلاح نماید و بدین طریق، ربا مشروع می‌شود. نکته‌ی دیگر امکان جای‌گزینی پول است و بدین وسیله دادگاه‌ها مجازند با انتقال پول از یک طرف به طرف دیگر دعوی، از او سلب مالکیت کنند. در این نظام، دزدی، خطای مدنی است نه جرم کیفری، و دزد، جز برگرداندن مال دزدی و در مواردی پرداختن جزای نقدی به مالک، هیچ‌گونه مجازات دیگری را متحمل نخواهد شد.<sup>۲۶</sup>

در شریعت یهود، در احکام ارث، پسران و فرزندان آنها بر دختران متوقا مقدم هستند و با بودن آنها، فرزند دختر ارث نمی‌برد، هم چنان که اگر متوقا فرزندی نداشته باشد، میراث او به پدر می‌رسد و مادر در آن سهمی ندارد.

ازدواج در یهودیت فاقد قداست است و ماهیت آن توافق و معامله‌ای بین دو انسان است که بر اساس آن زن مملوک مرد می‌شود و در ضمن آن طرفین نسبت به رعایت اصول عقد ازدواج متعهد می‌شوند و صرف توافق طرفین با حضور دو شاهد کافی است.

با آن‌که روابط جنسی بدون ازدواج، به دلیل ملاحظات اخلاقی، محکوم است، ولی مادامی که به نقض

ممنوعیت‌های زنا‌ی با محارم نینجامد، بر فرزندان متولد از آن تأثیر نمی‌گذارد.

بعد از ازدواج زن شوهردار اهلیت خرید و فروش ندارد و همه‌ی اموال او جز مهریه که بعد از مرگ یا طلاق، قابل مطالبه است، متعلق به شوهر اوست.

بر زن واجب است کارهای مرسوم و معمول منزل را بدون دست‌مزد انجام دهد و در عین حال، جز با توافقات طرفینی، از شوهرش ارث نمی‌برد.<sup>۲۷</sup>

### ب) حقوق کیفری

تورات مشتمل بر ۶۱۳ حکم است که ۳۶۵ مورد، مربوط به محرمات است که خود به دو گونه‌اند:

۱. محرماتی که دارای مجازات دنیوی نیستند و برای آنها، کفاره، قربانی یا مجازات الهی منظور می‌شود.
  ۲. آن دسته از محرمات که واجد مجازات دنیوی هستند و دادگاه طبق مقررات شرع آن را اجرا می‌کند.
- بر اساس تلمود، هیچ عملی جرم و در نتیجه، قابل مجازات نیست مگر آن که در تورات، هم ارتکاب آن منع، و هم برای آن مجازات تعیین شده باشد؛ برای مثال، برای اجرای حکم مجازات درباره‌ی قاتل، باید دو حکم در شریعت موجود باشد: یکی «قتل نکن!»<sup>۲۸</sup> و دیگری «قاتل باید کشته شود!»<sup>۲۹</sup> به گفته‌ی تلمود، اگر منع از عمل موجود نباشد، حتی اگر به صراحت، مجازات نیز تعیین شده باشد، آن عمل جرم به معنای خاص آن نیست و مجازات ذکر شده به مجازات آسمانی تعبیر می‌شود؛<sup>۳۰</sup> برای مثال، در تورات حد زنا‌ی محصنه، قتل است، ولی زنا‌ی به عنف این حکم را ندارد. اگر این زن دختر باکره باشد، مرد زناکار باید با او ازدواج کند.<sup>۳۱</sup>

### ۳-۱-۴. سازمان قضایی در حقوق یهود

در نظام حقوقی یهود، سه دادگاه وجود داشت: دادگاه سنهدرین کبیر به امور دینی، دادگاه مدنی به دعاوی مدنی، جرایم مالی و جسمانی، و دادگاه جنایی یا سنهدرین کوچک به جرایم مستوجب اعدام، مانند قتل، زنا و کفر رسیدگی می‌کرد. از آن جا که نظام شرعی یهودی بر اساس سلسله مراتب نبود، دادگاه عالی استیناف وجود نداشت و در موارد خطا، همان دادگاه یا دادگاه دیگر به مسأله رسیدگی می‌کرد. دادگاه سنهدرین کبیر نه تنها یک نهاد قضایی، بلکه دادگاه عالی شریعت و تجلی قدرت متعالی دین بود و حق اعلان جنگ، تشخیص مشروعیت مصوبات دادگاه‌ها و نهادهای قضایی دیگر، صدور مصوبات جدیدی که برای همه‌ی مردم ضروری بود و تعیین قضات دادگاه جنایی از اختیارات این دادگاه بود.<sup>۳۲</sup>

از جمله ادله‌ی اثبات دعوی در شریعت یهود، در برخی جرایم خاص، مانند خیانت زن به شوهرش، اُردالی یا داوری ایزدی است. در این آزمون، متهم را با شیوه‌های سخت، از قبیل وادار کردن او به رفتن در آتش یا انداختن در رودخانه امتحان می‌کنند، اگر وی از این آزمون‌ها نجات یابد به بی‌گناهی وی حکم می‌شود.<sup>۳۳</sup>

### ۴-۱-۴. نقد و بررسی:

بعضی از ملاحظاتی که به عنوان نگاه انتقادی می‌توان به آن اشاره کرد، نکات زیر است:

الف) عدم جامعیت: با وجود این که نظام حقوقی یهود مقررات حقوقی فراوانی دارد، اما به اندازه‌ی لازم و کافی همه‌ی ابعاد حیات بشری را فرا نمی‌گیرد.

ب) نگرش قومیت‌گرایی و نژادپرستانه: یکی از ریشه‌های عدم جامعیت حقوق یهود، آمیختگی آن با قومیت و تعصب نژادی است، به طوری که برای غیر یهود، حق حیات و مالکیت و حتی انسانیت قابل نیست و می‌گوید غیریهودیان برای خدمت‌گذاری یهود به صورت انسان خلق شده‌اند.<sup>۳۴</sup>

اصول کلی اندیشه‌ی سیاسی تئودور هرتزل<sup>۳۵</sup> طراح صهیونیسم سیاسی، نیز بیانگر همین نگرش قومی‌گرایانه و نژادپرستانه است. اصول فکری او عبارت‌اند از:

۱. یهودیان سراسر دنیا، در هر کشوری که باشند، مجموعاً یک قوم را تشکیل می‌دهند.
۲. یهودیان در ملت‌هایی که هستند و زندگی می‌کنند جذب و ادغام نمی‌شوند و در آنان تحلیل نمی‌روند.
۳. یهودیان همه وقت و همه جا تحت آزار و ظلم بوده‌اند.<sup>۳۶</sup>

از دو اصل اول، ویژگی مهم «نژادپرستی» و از اصل آخر، ویژگی «اشغال‌گری و تجاوز» صهیونیسم پدید آمد.

خوانندگان محترم می‌دانند که برخلاف مسیحیان و مسلمانان که برای آیین خود تبلیغ می‌کنند تا دیگران را به دین خود دعوت کنند، یهودیان به لحاظ روحیه‌ی نژادپرستی، معتقدند که هر کس لیاقت یهودی بودن را ندارد؛ لذا به این شکل دعوت برای تبلیغ ندارند. گر چه با اشغال و تجاوز قصد حاکمیت بر سراسر دنیا را دارند و با قضیه‌ی هولوکاست اصل سوم صهیونیسم سیاسی جلوه‌گر می‌شود و با هژمونی رسانه‌ای آن را جا انداخته‌اند و متأسفانه اروپا و دنیای غرب که دم از آزادی بیان می‌زند و برای آن خط قرمزی قابل نیست، در این جا حبس و مجازات سنگین برای انکار هولوکاست در نظر گرفته تا با مظلوم‌نمایی بتواند اشغال‌گری خود را مشروعیت ببخشد.

ج) تحریف: اساس یهودیت، الهی است و برخلاف تثلیث در مسیحیت، به خداوند یکتا و نیز به شریعت الهی که توسط پیامبران به بشر ابلاغ می‌شود، اعتقاد دارند.<sup>۳۷</sup> با وجود این، آیین یهودیت تحریف شد و علاوه بر میشنا و گمارا و تلمود که خود یهودیان نیز به بشری بودن آن اذعان دارند و در نهایت آن را شرح و تفسیر معتبر دانشمندان یهود بر تورات می‌دانند، خود تورات کنونی دست‌نوشته‌ی افراد مختلف است. این واقعیت که قرآن کریم از آن برده می‌دارد<sup>۳۸</sup> توسط مورخین<sup>۳۹</sup> و اندیشمندان یهودی، از جمله ابراهیم بن عزرا (۱۰۸۹-۱۱۶۴ م) و باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷ م) نیز تأیید می‌شود،<sup>۴۰</sup> گرچه رجوع به متن تورات و توجه به خداشناسی یهود<sup>۴۱</sup> و نیز نسبت ناروای اخلاقی به پیامبران برای اثبات این ادعا کافی است؛<sup>۴۲</sup> بنابر این، نظام کنونی حقوق یهود، به لحاظ مبانی و منابع، اصلاً دینی نیست.

د) نسخ: بر اساس آنچه تورات کنونی از حضرت موسی علیه السلام نقل می‌کند<sup>۴۳</sup> و نیز طبق تأکید قرآن کریم، شریعت موسوی با ظهور حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نسخ و از آن پس فاقد اعتبار گشته است.<sup>۴۴</sup>



#### ۲-۴. نظام حقوقی مسیحیت

مسیحیت از ادیان ابراهیمی با پیروان بسیار در جهان است، که در این جا به بررسی نظام حقوقی آن می پردازیم.

#### ۱-۲-۴. مبانی حقوقی مسیحیت

قرآن کریم با تجلیل فراوان از حضرت مسیح علیه السلام یاد می کند و ریشه ی شریعت وی را الهی می داند، گرچه بعد از آن حضرت، تحریف در آن واقع شد.<sup>۴۵</sup> مشهور است که مسیحیت، بر خلاف یهود، اخلاق محور است و به شریعت اهتمام نمی ورزد؛<sup>۴۶</sup> چنان که ادعا می شود حضرت عیسی علیه السلام شریعت موسوی را با اعلام این که «آن قوانین به سبب نافرمانی و معصیت یهود بر آنان افزوده شد تا نسل بعدی به موقع خود بیاید»، باطل کرد. از این رو، عهد جدید را به شریعت نعمت و آزادی و، در برابر آن، شریعت قدیم را به شریعت ترس ملقب می کنند.<sup>۴۷</sup> همین امر سبب توهّم بعضی از نویسندگان شده است که بگویند حضرت عیسی قانون جدیدی نیاورده، پیروان خود را به تبعیت از آیین حضرت موسی دعوت می کرد و به موعظه و نصیحت اهمیت زیادی می داد.<sup>۴۸</sup> آنان به استناد بعضی از آیات،<sup>۴۹</sup> مدعی اند حضرت مسیح بدون تغییر چندانی در دستورات دینی و اجتماعی، فقط بخشی از احکام و مقرراتی را که به خاطر عقوبت بر یهود حرام شده بود منسوخ کرد.

اما به نظر می رسد این دیدگاه، چندان با اولوالعزم و صاحب شریعت بودن حضرت مسیح علیه السلام از دیدگاه قرآن کریم سازگار نیست. آیات قرآن بیانگر نسخ شریعت یهود و تسهیل برخی احکام سخت و مشقت بار بر یهود، نسبت به مسیحیان است.<sup>۵۰</sup> ولی از این آیات نمی توان دریافت که مسیحیت فاقد نظام حقوقی مستقل از حقوق یهود بوده است؛ زیرا همان طور که خدای متعال عیسی علیه السلام و کتاب آسمانی وی را تأیید کننده و مصدّق موسی علیه السلام و کتاب آسمانی وی می داند،<sup>۵۱</sup> حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کتاب آسمانی وی را تصدیق کننده ی پیامبران پیشین و کتاب آسمانی و شرایع آنان اعلام می کند.<sup>۵۲</sup> به هر حال، مدت کمی بعد از حضرت عیسی علیه السلام، رهبران مسیحی با این تصور که احکام غیر منسوخ شریعت یهود بر آنها دشوار است، درصدد کاستن تکالیف واجب و حرام برآمدند و محرّمات را در روابط نامشروع (زنا) و خوردن خون و گوشت حیوانی که برای بت ها ذبح شده باشد، منحصر نمودند و برخی از محرّمات در تورات، مانند خوردن شراب و گوشت خوک و یا معامله ی ربوی را حلال و مباح دانستند؛ و مقصود از شریعت آزادی، اختصار در احکام شرعی و فراخی عمل برای پیروان است. به انگیزه های گوناگون از جمله آنچه ذکر شد، تحریف وسیعی در شریعت مسیح صورت پذیرفت و یکی از آثار و تبعات آن کاستی قوانین و مقررات لازم برای اداره ی جامعه بود، چنان که خود مسیحیان بدان اعتراف می کنند، و لیکن آن را به حضرت عیسی علیه السلام نسبت می دهند؛ مثلاً پروفیسور لونیان از محققان مسیحی، با افتخار می گوید:

مسیح هیچ وقت برای اجتماعات قانون های موقتی که مشتمل بر پاره های امر و نهی

باشد تدوین و تنظیم نفرمود.<sup>۵۳</sup>

و میلر می‌گوید:

خدای مسیح، شریعتی چون شریعت موسی که در هر جزئی نیز تکلیفی از برای مامعین کند، برقرار نفرموده و قوانینی برای تقسیم ارث و عقوبات مجرمان یا امور دیگر سیاسی که به مقتضیات هر دوره تغییرپذیر است وضع ننموده است.<sup>۵۴</sup>

#### ۲-۲-۴. ساختار حقوقی مسیحیت

بنابر آنچه گذشت، ریشه‌ی الهی حقوق مسیحی حفظ نشده است و اینک حقیقتاً یک نظام حقوقی دینی نیست. ساختار حقوقی مسیحیت در واقع همان ساختار حقوق یهودیت است با پیرایه‌هایی که کلیسا، اسقف‌ها و پاپ‌ها به آن افزوده‌اند و در واقع، آنچه معروف است، «حقوق کلیسا» است که به هیچ وجه بازتابی از شریعت مسیح ﷺ نیست. برخلاف یهودیت، اصل در مسیحیت، هم برای زن و هم برای مرد، رهبانیت است؛ ولی چون این امر امکان عملی ندارد، ازدواج فقط یک بار مجاز دانسته شده است، تعدد زوجات را هم نمی‌پذیرند، ازدواج مجدد را صرفاً در صورت فوت یکی از طرفین می‌پذیرند و به طلاق اعتقادی ندارند.

این بدان جهت است که آیین کنونی مسیحیت، همان طور که از انجیل و سیره‌ی پیروان آن پیداست، فاقد ویژگی یک نظام کامل حقوقی است؛ از این رو، مسئولیت بسیاری از شکست‌های اجتماعی سیاسی و انحطاط قدرت روم برعهده‌ی کلیسایان قرار گرفت و باعث تبلیغات فراوانی علیه مسیحیت شد. به همین جهت، دانشمندان مسیحی در زمینه‌ی حقوق و احکام، به‌ناچار برداشت‌های مستقلی از کتاب مقدس و حقوق روم داشته‌اند. این برداشت‌ها، پس از چند قرن، به صورت نخستین مجموعه‌ی حقوقی کلیسا، در حدود سال ۱۱۵۰ م. به دست گراسیانوس تدوین گردید. این مجموعه مواد مختلفی نظیر احکام و مقررات پاپ‌ها و شوراها‌ی کلیسایی و نیز عقاید دینی، آداب آیین دادرسی، مراسم عقد و ازدواج، احکام مربوط به هبه و غیره را نظم بخشید و نخستین مجموعه‌ی حقوقی رسمی مسیحیان در سال ۱۲۳۴، و دو مجموعه‌ی دیگر در زمان‌های متأخر تدوین شد. این مجموعه با مجموعه‌ی حقوقی گراسیانوس، پایه و اساس حقوق کلیسایی را تشکیل می‌داد.

حقوق کلیسایی در برهه‌ی ای از زمان صرفاً در محدوده‌ی کلیسا قابل اجرا بود و کلیساها در خارج از محدوده‌ی داخلی، تابع قوانین دولت‌های متبوع خود بودند. از آن جا که دولت‌ها مسئولیتی در اجرای قوانین کلیسا نداشتند، معمولاً میان حقوق کلیسا و مقررات دولتی تعارض‌هایی پدید می‌آمد ولی شرکت برخی از کشیش‌ها در حرکت‌های انقلابی و مبارزات ملی که در صدد اصلاح قوانین حاکم بر کشورها بودند، به تدریج موجب نفوذ بیش‌تر حقوق مسیحی شد. جنگ‌های صلیبی نیز که قدرت بزرگی را در اختیار پاپ قرار داد، از عوامل مهم نفوذ حقوق کلیسا در حقوق روم بوده است.

یکی از اقدامات مؤثر برای جبران این نارسایی‌ها و خنثی کردن تبلیغات ضد مسیحیت، تلاش آگوستین

است. او فلسفه‌ی رواقیون را وارد حقوقِ برخاسته از انجیل و تورات کرد؛ از این رو، کلیسایان توانستند علاوه بر استفاده از متون دینی خویش، از فلسفه‌ی رواقیون در استنتاجات حقوقی و فلسفی بهره‌گیرند. نوآوری او تحولی بود که به عقل بشری اجازه داد که به عنوان سایه‌ای از عقل الهی، احکام الهی را تفسیر کند. از نظر او، خداوند در نظام بخشیدن به امور اجتماعی، علاوه بر اراده اش که در کتب دینی بیان شده، از عقل خود که حاکم بر جهان هستی است، نیز استفاده کرده و انسان نیز می‌تواند به کمک عقل و دل که خداوند به او داده است، احکام الهی را تفسیر کند. حرکت انقلابی آگوستین، پس از او تقریباً در طول قرون متمادی متوقف شد تا آن که سن توماس دیدگاه وی را پی گرفت و انقلاب جدیدی در حقوق مسیحیت به وجود آورد. او یک گام جلوتر نهاد و گفت:

عقل بشری علاوه بر تفسیر احکام الهی می‌تواند همانند کتاب مقدس کاشف از اراده‌ی الهی باشد.

#### ۲-۳. منابع حقوق مسیحیت

منابع حقوق مسیحیت عبارت‌اند از:

##### ۱. کتاب مقدس:

کتاب مقدس مسیحیان دو بخش دارد: عهد عتیق و عهد جدید. مسیحیان معتقدند خدا با انسان دو پیمان بسته است. در «پیمان کهن» توسط پیامبران پیش از عیسی علیه السلام، مرتبه‌ای از نجات از طریق وعد و وعید و قانون و شریعت به دست می‌آید و در «پیمان نو» توسط خدای متجلی، یعنی عیسی مسیح، نجات از طریق محبت حاصل می‌شود. بخش مربوط به پیمان کهن، «عهد عتیق»<sup>۵۵</sup> و بخش مربوط به پیمان نو، «عهد جدید» نامیده می‌شود. عهدین در مجموع حاوی ۶۶ کتاب است. عهد عتیق ۳۹ و عهد جدید حاوی ۲۷ کتاب است که چهار کتاب آغازین آن انجیل<sup>۵۶</sup> خوانده می‌شود و مشتمل بر زندگی‌نامه و سخنان حضرت عیسی علیه السلام است که گفته می‌شود چهار نفر از حواریین یا شاگردان آنان، یعنی متی، مرقس، لوقا و یوحنا آن را نگاشته‌اند. البته در حالی که قرآن کتاب مقدس مسیح علیه السلام را آسمانی و نازل شده از سوی خدای متعال می‌داند، خود مسیحیان عیسی را تجسم وحی الهی و اناجیل چهارگانه را حاصل تلاش شاگردان او با الهامات روح القدس می‌دانند.<sup>۵۷</sup>

##### ۲. سنت:

در میان بعضی از گروه‌های مسیحی، کتاب مقدس مهم‌ترین منبع مرجعیت دینی است ولی تنها منبع نیست. از آن جا که منابع مکتوب مسیحیت برای مردمی نوشته شده بود که در اوضاع و احوال تاریخی خاصی می‌زیستند که دیگر آن اوضاع و احوال به طور کامل حکم‌فرما نیست، بعضی از گروه‌ها معتقدند که عبارات مکتوب را باید پیوسته مطالعه کرد و در مسائل جدید به کار بست؛ از این رو، در کنار کتاب مقدس، سنت شکل

گرفت. سنت عبارت است از تفسیر خاصی از کتاب مقدس که در جامعه‌ی مسیحی شرح و بسط داده شد و کلیسا آن را پذیرفت. در مورد حدود مرجعیت سنت مخصوصاً درباره‌ی مرجعیت پاپ بین کاتولیک‌های رومی و مسیحیان ارتدوکس اختلاف نظر وجود دارد. با وجود این، آنان درباره‌ی اصل سنت متفق‌اند. از نظر آنان کتاب مقدس بدون سنت، بی اعتبار، و سنت بدون کتاب مقدس بی بنیان است.<sup>۵۸</sup>

### ۳. مقررات کلیسایی

در جامعه‌ی مسیحیت، کلیسا نقش عمده‌ای بازی می‌کند و مرجعیت خود را تاکنون حفظ نموده است. کلیسا تنها پایگاه تصویب مصوبات شرعی و صدور فرمان‌های دینی است و با محوریت پاپ در سطح جهانی و اسقف‌ها در سطوح منطقه‌ای در بین مسیحیان، صاحب نفوذ تاریخی است. در حال حاضر از قدرت کلیسا و پاپ کاسته شده و در امور حقوقی و اداری کشوری دخالت مستقیم و جدی ندارند، ولی نفوذ معنوی آنها برقرار است. در واقع در کشوری مانند واتیکان، پاپ از درون کلیسا حکومت می‌کند و فرمان‌های خود را صادر می‌نماید.

### ۴-۲-۴. نقد و بررسی:

بعضی از ملاحظاتی را که به عنوان نگاه انتقادی می‌توان به آن اشاره کرد، نکات زیر است:

۱. خلأ مقررات حقوقی: برخلاف نظام حقوقی اسلام و یهود، مسیحیت کنونی عمدتاً صبغه‌ی اخلاقی (البته متمایل به لیبرالیستی) دارد و جز در موارد بسیار محدود، فاقد مقررات حقوقی است؛ از این رو به دلیل ضرورت‌های اجتماعی، و در حد ناچاری، از حقوق روم و تراواشات ذهنی اسقف‌ها و کشیش‌ها تحت عنوان سنت و مقررات خودساخته‌ی کلیسا به آن افزوده شد.

۲. ترویج خوش‌باشی و اباحه‌گری: مسیحیت کنونی، از یک سو، با هدف تبلیغ و جذب، با عنوان کردن این که عهد جدید، شریعت نعمت و آزادی است و در برابر آن شریعت قدیم را به شریعت ترس ملقب می‌کنند، به تساهل و تسامح گراییده و از سوی دیگر به لحاظ کاستی شدید شریعت و قانون حقوقی که دارای ضمانت اجرایی دولتی (بیرونی) باشد، در مقام واقعیت و عمل، مستمسکی برای خوش‌باشی و اباحه‌گری شد؛ بنابراین، اباحه‌گری یک تاکتیک مهم مسیحیت برای تبلیغ و جذب مردم و مخصوصاً جوانان به این آیین تحریف شده است و در واقع قصد دارند کاستی‌های خردورزی و عقلانیت را که به وضوح در مسیحیت به چشم می‌خورد و باعث روی‌گردانی اروپایی‌ها مخصوصاً نسل پرسشگر جوان از مسیحیت شده است، با این حربه و خدعه جبران کنند.

۳. گرایش سکولاریستی: این نظام حقوقی به دلیل‌های گوناگون، از جمله تفسیر دوگانه‌ی مسیحیت از دنیا و آخرت، و تقسیم کار میان ارباب کلیسا و امپراطوران و جدایی دنیا از آخرت، تعدی کلیسا از حیطه‌ی صلاحیت‌های خود، مثلاً انحصارطلبی در دسترسی به حقایق و تشخیص راه زندگی بشر که باعث پیدایش

تعارض علم و دین (ساینتیسم)<sup>۵۹</sup> و عقل و وحی (راسیونالیسم)<sup>۶۰</sup> شد، به تفکیک دین از سیاست منتهی گردید. چنان که برنارد لوئیس می‌گوید:

در اسلام سستی هیچ گونه تمایزی بین دستگاه دینی و دولت وجود نداشت. اما در سرتاسر تاریخ عالم مسیحیت همیشه دو قدرت وجود داشته یکی خداوند و یکی قیصر. وجود دو قدرت در جهان مسیحیت به بنیان‌گذار آن برمی‌گردد که به پیروانش دستور داد که کار قیصر را به قیصر و کار خدا را به خدا بسپارند.<sup>۶۱</sup>

۴. تحریف: اساس مسیحیت، الهی است و به خداوند و حیات اخروی و شریعت الهی که توسط پیامبران به بشر ابلاغ می‌شود، اعتقاد دارند؛ با وجود این، آیین مسیحیت تحریف شد به نحوی که با اعتقاد به تثلیث، به انکار بنیادی‌ترین مبانی ادیان آسمانی، یعنی اصل توحید منتهی شدند. گرچه در سنت مسیحی به اصل توحید نیز اعتقاد دارند ولی در عین حال تثلیث را هم باور دارند و آن دو را قابل جمع با هم می‌دانند. در انجیل مرقس که مختصرترین و قدیمی‌ترین انجیل است، حضرت عیسی پسر خدا معرفی شده است و انجیل یوحنا حضرت عیسی را مانند سایر مردم ولی به گونه‌ای فوق آنان می‌داند و می‌گوید عیسی خداست که انسان شده است و به نحو اساسی و متحول‌کننده در جهان مداخله می‌کند<sup>۶۲</sup> و چون از نظر عقلی، این دو با هم سازگار و قابل جمع نیستند، عالمان مسیحی تلاش زیادی به منظور توجیه آن صورت داده‌اند؛ از جمله می‌گویند:

تثلیث واحد است. ما به سه خدا اعتراف نمی‌کنیم؛ بلکه به خدای واحد در سه اقنوم. تثلیثی که از نظر جوهر واحد است (شورای قسطنطنیه). پس اقانیم ثلاثه در یک الوهیت سهیم نیستند؛ بلکه هر یک از آنها کامل خدا هستند. پدر، همان پسر است و پسر همان پدر و پدر و پسر همان روح القدس هستند (شورای تولدو). هر یک از این اقانیم ثلاثه، همین حقیقت، یعنی جوهر و ذات و سرشت الهی هستند. اقانیم ثلاثه واقعاً از هم متمایز هستند: خدا یگانه است اما تنها نیست. پدر، پسر و روح القدس صرفاً نام‌هایی نیستند که بر کیفیت‌های وجود الهی دلالت کنند؛ زیرا آنها واقعاً متمایز از هم دیگرند. نه پسر پدر است و نه پدر پسر و نه روح القدس پدر یا پسر است (شورای تولدو). آنها از نظر منشأ با هم تفاوت دارند: این پدر است که متولد می‌کند، این پسر است که متولد می‌شود و این روح القدس است که صادر می‌شود (شورای لاتران). وحدت الهی سه گانه است.<sup>۶۳</sup>

خداوند سبحان در قرآن، با صراحت آموزه‌ی تثلیث در مسیحیت را رد و پیروان آن را تکفیر و نکوهش می‌کند.<sup>۶۴</sup>

۵. وحیانی نبودن: برخلاف یهودیان و مسلمانان که کتاب آسمانی خود، یعنی تورات و قرآن را وحی الهی

و نازل شده از سوی خدا می‌دانند و معتقدند عین الفاظ آن از سوی خداوند بر پیامبران نازل شده است (بلکه از دیدگاه قرآن، انجیل نیز وحی الهی است)، مسیحیان هیچ یک از انجیل چهارگانه را به حضرت عیسی علیه السلام نسبت نمی‌دهند. تا آن جا که تاریخ نشان می‌دهد، انجیل یاد شده سال‌ها پس از حضرت عیسی نگارش یافته‌اند.<sup>۶۵</sup>

توماس میشل، کشیش مسیحی معاصر، در پاسخ به این سؤال مسلمانان که مگر عیسی علیه السلام بیش از یک انجیل از خدا دریافت کرده است، پس به چه علت مسیحیان به چهار انجیل معتقدند؟ می‌گوید:

مسیحیان هرگز نمی‌گویند عیسی کتابی به نام انجیل آورد. آوردن وحی توسط عیسی به گونه‌ای که مسلمانان در مورد قرآن و پیامبر اسلام معتقدند، در مسیحیت جایی ندارد. مسیحیان عیسی را «تجسم وحی الهی» می‌دانند و به عقیده‌ی آنان، وی نه حامل پیام بلکه عین پیام بوده است.<sup>۶۶</sup> مسلمانان قرآن را وحی خدا، و پیامی با عبارات روشن و کامل می‌دانند، در حالی که به عقیده‌ی مسیحیان، کامل‌ترین وحی نه در کتاب، بلکه در انسان منعکس شده است. مسیح در زندگی و شخص خود، خدا را منکشف می‌سازد و اراده‌ی او در مورد بشر را بیان می‌کند؛ به این طریق، خدا نه تنها پیام خود را به بشر وحی می‌کند، بلکه ذات خود را در تاریخ بشر وحی می‌کند و اسفار کتاب مقدس این وحی ذاتی را آشکار و تفسیر می‌کند. در نگرش مسیحیان خدا کتاب‌های مقدس را با الهامات روح القدس تألیف کرده و برای این منظور مؤلفانی از بشر را برای نوشتن آن برانگیخته و آنان را در نوشتن به گونه‌ای یاری کرده که فقط چیزهایی را که او می‌خواسته است، نوشته‌اند.<sup>۶۷</sup>

رنه داوید می‌نویسد:

حقوق مسیحیت به هیچ وجه حقوق ناشی از وحی نیست، نتیجه‌ی کار انسان است؛ لذا تخلف از آن، فرد مسیحی را در معرض مجازات‌های اخروی قرار نمی‌دهد و به همین خاطر است که در طی قرن‌ها تغییرات زیادی کرده است.<sup>۶۸</sup>

بنابر این، همان‌طور که منتقدین گفته‌اند: انجیل مسیحیان، سندی بشری و تاریخی و عاری از قداست است و در نتیجه در معرض نقد همگان خواهد بود و توجیهات به عمل آمده مفید نیست.<sup>۶۹</sup>

به نظر می‌رسد ورود برخی آموزه‌های نادرست ناشی از همین امر باشد؛ مثل: «مال قیصر را به قیصر و مال خدا را به خدا بده»<sup>۷۰</sup> که ناظر به نحوه‌ی رابطه‌ی بین کلیسا و حکومت، و ترویج سکولاریسم است و یا ادعان به این که آیین مسیحیت فاقد قوانین اجتماعی و حکومتی است، تا حدی که پروفیسور لطفی لونیان، از محققان مسیحی، با افتخار می‌گوید:

مسیح هیچ وقت برای اجتماعات قانون‌های موقتی که مشتمل بر پاره‌ای امر و نهی باشد تدوین و تنظیم نفرمود.<sup>۷۱</sup>

و می‌لر می‌گوید:

خداوند مسیح، شریعتی چون شریعت موسی که در هر جزئی نیز تکلیفی از برای ما معین کند، برقرار نفرموده و قوانینی برای تقسیم ارث و عقوبات مجرمان یا امور دیگر سیاسی که به مقتضیات هر دوره تغییرپذیر است وضع ننموده است.<sup>۷۲</sup>

و یا این که شنیده‌اید که گفته‌اند:

چشمی به چشمی و دندانی به دندانی، لیکن من به شما می‌گویم با شریعت مقاومت نکنید بلکه هر که به رخساره‌ی راست تو سیلی زند دیگری را نیز به سوی او بگردان و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عبای خود را نیز بدو واگذار و هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو.<sup>۷۳</sup>

ترویج این آموزه‌ها در مسیحیت، تحریف ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خودش و ارتباط انسان با دیگران را در برمی‌گیرد.

۶. نسخ: طبق نقل انجیل کنونی از حضرت عیسی علیه السلام که قرآن کریم نیز بر آن تأکید می‌کند، شریعت مسیحی با ظهور دین اسلام و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله نسخ شده و از آن پس فاقد اعتبار گشته است.<sup>۷۵</sup>

## نتیجه:

نظام‌های حقوقی به دو دسته‌ی سکولار و دینی تقسیم می‌شود و نظام‌های حقوقی یهودیت و مسیحیت و اسلام در نظام‌های حقوقی دینی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. اما حقیقت آن است که هیچ یک از دو نظام حقوقی یهودیت و مسیحیت بنیاد دینی ندارند، چه این که بر اساس تحریف از یک سو و نسخ از سوی دیگر جایی برای الهی بودن و آسمانی بودن این نظام‌های حقوقی باقی نمی‌ماند.

علاوه بر کاستی‌های فراوان و عدم جامعیت این نظام‌های حقوقی، جهت‌گیری منفی سیاسی یهودیت که به صهیونیسم پیوند خورده است و جهت‌گیری سکولاریستی مسیحیت که به دنیوی‌گری و جدایی دنیا از آخرت و سیاست از مذهب انجامیده است، سبب دوری و فاصله گرفتن این نظام‌ها از بنیادهای دینی شده‌اند و تنها نظام حقوقی وحیانی و آسمانی و برآمده از دین، و جامع و عدالت‌محور، نظام حقوقی اسلام است. آموزه‌های متعالی شریعت اسلامی این ادعا را اثبات می‌کند و موج شدید‌گرایش به اسلام در اروپا نه در اثر تبلیغات وسیع رسانه‌ای، بلکه به خاطر جذابیت ذاتی خود اسلام و محتوای غنی و منطبق بر فطرت و مهرورزی و عدالت‌گرایی و ضدنژادپرستی این دین مبین و نظام حقوقی مبتنی بر آن است.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۱، ص ۳۶-۳۷.
  ۲. برگرفته از درس‌های استاد دکتر مکرمی در مباحث حقوق بین‌الملل.
  ۳. قبلاً در مجله معرفت، ش ۱۰۶، «نظام حقوقی اسلام و مبانی، منابع، ساختار و ویژگی‌ها و امتیازات آن» را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم.
  ۴. همان‌طور که دانشمندان زیادی، از جمله پژوهشگران غربی مانند پیتر آلستون و جان هیک تصریح کرده‌اند، تفسیرهای متعددی از دین وجود دارد، اما آنچه در نظر اندیشمندان دینی مهم تلقی شده است، توجه به جنبه‌ی حقانیت و وحیانی بودن و اعتقاد به وحدانیت خدای متعال است. (ر. ک: ایرج میر، رابطه‌ی دین و سیاست (تهران: نشر نو، ۱۳۸۰)، ص ۳۵-۲۹.
  ۵. عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، یهودیت (نگاه نو، آشنایی با ادیان)، (تهران: انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۸۲)، ص ۹۳.
۶. Bible.
۷. به باور مسیحیان، عهد قدیم که در آن خدا از انسان پیمان گرفته است تا به شریعت گردن نهد و آن را انجام دهد، نخست با ابراهیم علیه السلام بسته شده و سپس در زمان حضرت موسی علیه السلام تجدید و تحکیم گردیده است و با ظهور حضرت عیسی علیه السلام دوران عهد مزبور پایان یافته و خدا عهد جدیدی بسته است؛ اما از نظر یهودیان، خدا تنها یک پیمان با انسان بسته و آن همان شریعت است که نزد مسیحیان به عهد قدیم معروف است.
۸. همان، ص ۱۷۳-۱۸۵.
۹. حسین سلیمانی، هفت آسمان (فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب)؛ سال ۵، ش ۱۸، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴.۲-۱۵۳.
۱۰. گروهی از یهودیان معتقدند که دو تورات وجود داشته: تورات مکتوب که همان کتاب مقدس موجود است و تورات شفاهی که شفاهاً از علمای یهود به یکدیگر منتقل می‌شده است. تلمود همان تورات شفاهی است و مطالبی دارد که در تورات مکتوب اثری از آن نیست. به همین جهت، دانشمندانی از یهود مانند حاج بابای قزوینی، در صحت این ادعا و مطالب اشکال کرده و آن را از مخترعات یهود دانسته‌اند؛ زیرا معقول نیست که علمای یهود با همه‌ی اسارت‌ها توانسته باشند در مدتی بیش از هزار سال، مطالبی به این گستردگی را بدون کتابت حفظ کرده باشند؛ به علاوه، مکرر اتفاق افتاده است که تورات مکتوب نیز در خطر نابودی قرار گرفته و با مشکلات زیاد نسخه‌ای از آن نگه‌داری شده است؛ بنابراین، تردیدی نیست که تلمود در واقع استنباطاتی است که دانشمندان یهود در حدود وسیع خود از تورات داشته‌اند. ر. ک: حاج بابای قزوینی، محضر الشهود، (نجف، کتابخانه وزیر یزد (ش ۲)، ۱۳۴۹).
۱۱. Mishna، به معنای تثنیه و تکرار است. از آن جهت که این متن دربردارنده‌ی تورات شفاهی، در مقابل تورات کتبی است، به این نام خوانده شود.
۱۲. Gemara.
۱۳. Talmud.
۱۴. ر. ک: یهودیت (نگاه نو، آشنایی با ادیان)، ص ۲۳۵-۲۲۰.
۱۵. حدید، ۲۵.
۱۶. مانند، ۴۳-۴۵.
۱۷. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲، ص ۳۵.
۱۸. راب. ا. کُهی، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه: امیر فریدون گرگانی، (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۰)، ص ۱۷ به بعد.



۱۹. Zeraïim.  
 ۲۰. Moed.  
 ۲۱. Nashim.  
 ۲۲. Nezigihin.  
 ۲۳. Ghodashim.  
 ۲۴. Tcharoth.

۲۵. همان.

۲۶. سیری در تلمود، همان، ص ۲۳۱-۲۱۷.

۲۷. همان، ص ۱۹۴؛ محمد صبری، المقارنات و المقابلات، ص ۳۳۴؛ گوستاو لوبون، اليهودية في الحضارات الاولى، ص ۵۲ و مراد فراج، شعار لخصر في الاحكام الشرعية الاسرائيلية للقوانين، ص ۱۶۳.

۲۸. سفر خروج، ۱۳:۲۰.

۲۹. سفر اعداد، ۲۱-۱۶:۳۵.

۳۰. Encyclopedia Judaica, v. 13: H.H.C, "Penal Law", F. 222-228. و نیز ر. ک: حسین سلیمانی، «جرایم در حقوق کیفری یهود»، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، ش ۱۶، سال چهارم، ص ۱۴۱ به بعد.

۳۱. Encyclopedia Judaica, v 14: H.H.C, "Sexual offences", p. 1207-08. و نیز ر. ک: سفر تثنیه، ۲۲:۲۹.

۳۲. حسین سلیمانی، «ادله‌ی اثبات دعوی کیفری در آیین یهود»، فصلنامه هفت آسمان، سال اول، ش ۱، ۱۳۷۸، ص ۶۷-۶۵؛ سیری در تلمود، ص ۲۴۶-۲۴۲.

۳۳. سفر اعداد، ۲۷-۲۸:۵، و نیز ر. ک: حسین سلیمانی، همان، ص ۶۸ به بعد.

۳۴. یهودیت (نگاه نو، آشنایی با ادیان)؛ ص ۱۷-۲۴؛ احمد شلیبی، اليهودية، (مکتبه النهضة المصرية، ۱۹۹۲)، ص ۲۵۴، ۲۵۸ و ۲۶۸.

۳۵. theodor Hertzl.

۳۶. روزنه گارودی، پرونده‌ی اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه: نسرین حکیمی، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام، ۱۳۶۹)، ص ۳۸.

۳۷. همان، ص ۲۴۲، ۲۴۸.

۳۸. ﴿قَوْلَ بَلْ لَّيْلِيْنَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾؛ بقره، ۷۸.

۳۹. بیسی کایل؛ دین یهود در جهان مذهبی (ادیان در جهان امروز)، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، ج ۳، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ ۱۳۷۴)، ص ۶۰۴. وی با ارائه‌ی مدارکی می‌گوید: «این تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد مطالب تورات به صورت کامل از طرف شخص حضرت موسی ﷺ قطعی و نهایی نشده است».

۴۰. یهودیت (نگاه نو، آشنایی با ادیان)، ص ۱۷۴-۱۹۱. آنها با اشاره به موارد متعددی از متن تورات، از جمله باب آخر سفر تثنیه، که مطالبی درباره‌ی وفات موسی ﷺ و عزاداری برای او مطرح، و او را با پیامبرانی که بعد از او آمده اند، مقایسه می‌کند، می‌گویند: این سخنان هرگز نمی‌تواند از آن حضرت موسی باشد.

۴۱. یک نمونه‌ی آن در جریان نافرمانی آدم و حوا و خروج آنان از بهشت است. آن جا که نقل می‌کند: ... عصر همان روز، آدم و زنش، صدای خداوند را که در باغ راه می‌رفت شنیدند و خود را لابه لای درختان پنهان کردند. خداوند آدم را ندا داد: ای آدم، چرا خود را پنهان می‌کنی؟ ... (ر. ک: همان، ص ۸۴-۸۶).

۴۲. کتاب مقدس (نگاه نو، آشنایی با ادیان)، ص ۸۷.

۴۳. سفر تثنیه، ۱۸: ۱۸-۹ و نیز گنجینه‌ای از تلمود، فصل دوازدهم.

۴۴. بقره، ۴۰-۴۲، ۷۶-۷۵، ۹۱-۸۷، ۱۰۱-۹۷، ۱۲۱-۱۲۰، ۱۳۵-۱۳۴، ۱۵۹، ۱۶۲، ۲۵۳ و ۲۸۵؛ آل عمران، ۱۹-۲۰، ۴۸-۶۷، ۶۸-۸۳، ۹۳-۹۴؛ نساء، ۴۶-۴۷، ۱۵۰-۱۷۰؛ مائده، ۱۵-۱۶، ۱۹، ۴۱-۵۰، ۶۴-۶۵، ۶۶ و ۶۸؛ صف، ۶-۱۴.

۴۵. بقره، ۸۷ و ۲۵۳؛ آل عمران، ۴۵؛ مائده، ۱۷۸ و نساء، ۱۷۱ و ...

۴۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ درآمدی بر حقوق اسلامی؛ (تهران: انتشارات سمت، ج ۲، ۱۳۷۶)، ص ۵۷
۴۷. یوحنا بطرس عوری، ترجمه (به عربی) یوحنا حبیب؛ ج ۱ (بیروت: مطبعة العمومية الکتونولیکه، ۱۸۷۹)، ص ۱۶۴-۱۶۶.
۴۸. احمد شلی، السیحه، (مکتبه النهضة المصرية، ۱۹۹۳)، ص ۱۹۲.
۴۹. آل عمران، ۵۰:۲۹؛ انعام، ۱۴۶.
۵۰. مانده، ۴۸؛ آل عمران، ۵۰:۲۹؛ انعام، ۱۴۶.
۵۱. آل عمران، ۵۰؛ مانده، ۴۶.
۵۲. بقره، ۴۱، ۸۹، ۹۱، ۹۷، ۱۰۱؛ آل عمران، ۳ و ۸۱؛ نساء، ۴۷؛ مانده، ۴۸؛ انعام، ۹۲؛ احقاف، ۱۲ و ۳۰ آنچه از روایات نیز استفاده می‌شود، این است که شریعت مسیح علیه السلام مکمل شریعت حضرت موسی علیه السلام و در برخی موارد ناسخ آن بوده است؛ مثلاً در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: کان بین داود و عیسی ابن مریم علیه السلام أربع مائة سنة و کان شریعة عیسی أنه بعث بالتوحید و الإخلاص و بما أوصی به نوح و إبراهیم و موسی علیه السلام و أنزل علیه الإنجیل و أخذ علیه الميثاق الذي أخذ على النبيين و شرع له فی الكتاب إقام الصلاة مع الدين و الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر و تحريم الحرام و تحليل الحلال و أنزل علیه فی الإنجیل مواظب و أمثال و ليس فيها قصاص و لا أحكام حدود و لا فرض موارث و أنزل علیه تخفيف ما كان نزل على موسى علیه السلام فی التوراة و هو قول الله فی الذي قال عیسی بن مریم لبني إسرائيل ﴿و لأجل لکم بغض الذي حرم علیکم﴾ و أمر عیسی من معه ممن اتبعه من المؤمنین أن يؤمنوا بشریعة التوراة و الإنجیل (بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۳۴، باب ۱۸، ح ۴). و این روایی همی شرایع بعدی و پیامبران اولوالعزم پسین است. اما از آن جا که شرایع قبل از اسلام، یعنی یهودیت و مسیحیت، دچار تحریف شده اند، راه استناد به آموزه‌های غیرمنسوخ آن شرایع جز به واسطه معصومین علیهم السلام امکان پذیر نیست؛ بنابر این نه معنای نسخ شریعت پیشین این است که تمام آموزه‌ها و احکام آن توسط شریعت پسین تغییر کند و نه معنای استقلال شریعت پسین آن است که تمام آموزه‌های آن جدید باشد و هیچ یک از آموزه‌های شریعت پیشین را تأیید نکرده باشد.
- سر مطلب آن است که قوانین و مقررات شرایع پیشین به چند دسته تقسیم می‌شود: ۱. اصول کلی قوانین و احکام و شمار فراوانی از فروع آن‌ها پس از نسخ، مستمر و ثابت مانده است و در حقیقت این قسمت از شرایع پیشین، به دلیل آن که در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای ثابت انسان جعل شده‌اند، دچار تغییر و دگرگونی نمی‌گردند بلکه به وسیله شریعت پسین تأیید شده اند؛ لذا هم در اسلام و هم در شریعت مسیحیت به برخی تعالیم شریعت پیشین استناد می‌شود. در روایات نیز این مطلب تأیید شده است (مانند روایت یادشده). ۲. احکامی که به مقتضای زمان و مصالح موقت وضع شده است و پس از انقضای آن مصلحت که پشتوانه‌ی جعل آن حکم بوده است، خود آن حکم دگرگون می‌شود، مانند جایز شدن خوردن و آشامیدن... در شب‌های ماه رمضان (بقره، ۱۸۷) قبل از خواب یا بعد از آن، و رفع حرمت از برخی حیوانات و غذاهایی که حضرت یعقوب علیه السلام بر خود حرام گردانیده بود (انعام، ۱۴۶). ۳. احکامی که به عنوان مجازات بر قومی مقرر گشته است، مانند تحریم برخی از گوشت‌ها یا خوراکی‌ها بر یهود و به همین دلیل در شریعت پسین، از باب تخفیف و رفع عقوبت، آن بخش از احکام نسخ شده است. ﴿و مَن ذابوا ما بین یدئ من التوراة و لأجل لکم بغض الذي حرم علیکم و جنتکم بآية من ربکم فانفوا لله و أطيعون﴾ (آل عمران، ۵۰) و ﴿فیطلم من الأذین هادوا حرمنا علیهم طیبات أحلت لهم و بضدهم عن سبیل الله کثیراً﴾ (نساء، ۱۶۰).
۵۳. لفظی نونیان، مذهب و متجهودین، ص ۱۳.
۵۴. مبلر، تاریخ کلیسای قدیم، ص ۲۹.
۵۵. در حقیقت عهد عتیق کتاب آسمانی یهودیان است که مسیحیان برای آن احترام قائل شده و آن را در آغاز کتاب خود قرار داده‌اند.
۵۶. برگرفته از واژه‌ی یونانی Euangelion و به معنای «مژده» است.
۵۷. جهت مطالعه‌ی بیش‌تر ر. ک: حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، (تهران: سمت، ۱۳۸۱)، ص ۸۶-۸۳، ۱۳۱-۱۲۷، و توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی (قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷)، ص ۲۸ و ۴۹-۵۱.
۵۸. ر. ک: درآمدی به مسیحیت، ص ۱۲۲.

۵۹. Scientism.

۶۰. Rationalism.

۶۱. برنارد لوئیس، زبان سیاسی اسلام، ترجمه: غلامرضا بهروز لک (قم: دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۷۸)، ص ۲۷.
۶۲. همان، ص ۷۲-۷۴.
۶۳. همان، ص ۱۲۴-۱۲۵.
۶۴. نساء، ۱۷۱؛ مائده، ۳۷ و ۷۵-۷۲ و ۱۱۶؛ و توبه، ۳۱؛ ر. ک: درآمدی به مسیحیت، ص ۱۳۴-۱۴۴.
۶۵. نگارش عهد جدید از حدود ۳۵ سال بعد از عروج حضرت عیسی علیه السلام شروع شد که شامل چهار انجیل به نام‌های مرقس، متی، لوقا و یوحنا و رساله‌های دیگر است. اولین انجیل، یعنی مرقس، حدود سال ۷۰ م، انجیل متی و لوقا در سال ۸۵ م و انجیل یوحنا بین ۸۰ و ۱۰۰ م نوشته شده است. ر. ک: درآمدی به مسیحیت، ص ۷۲ به بعد.
۶۶. کلام مسیحی، ص ۴۹-۵۰.
۶۷. همان، ص ۲۶-۲۸.
۶۸. نظام‌های حقوقی، ص ۴۵۴.
۶۹. دان کیویت، دریای ایمان، ترجمه: حسن کامشاد (تهران: طرح نو، ۱۳۷۶)، ص ۱۱۰.
۷۰. انجیل متی، باب ۲۲، ش، ۲۱.
۷۱. مذهب و متعهدین، ص ۱۳.
۷۲. تاریخ کلیسای قدیم، ص ۲۹، جهت مطالعه‌ی بیش‌تر در مورد نقش کلیسا در جهت تفکیک دین از سیاست. ر. ک: قدردان، پیشین، ص ۳۷ به بعد.
۷۳. کتاب مقدس، انجیل متی، (چاپ انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل، ۱۹۶۹ م)، باب ۵، شماره ۳۸-۴۰.
۷۴. سفر تثنیه، باب ۱۸، آیات ۱۸-۱۹ و نیز: گنجینه‌ای از تلمود، فصل دوازدهم.
۷۵. ر. ک: بقره، ۱۲۰-۱۲۱، ۱۳۵-۱۴۰، ۱۴۶-۱۵۹، ۲۵۳ و ۲۸۵؛ آل عمران، ۱۹-۲۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی